



گیشه

گرما، گیشه سینماها را سرد کرد

افت ۱٫۵ میلیاردی فروش سینماها از شنبه تا چهارشنبه

آفتاب خرم‌آبزان مرداد نیست؛ آتش سوزان کوره‌است که آسفالت و سیمان و آهن و آجر و هر چیزی را که در خیابان جان پناهی نیافته به حد ذوب شدن و نرم شدن و از ریخت افتادن می‌برد و می‌گذارد. حتی تا چند ساعت بعد از غروب آفتاب هم می‌توان داغی آفتاب را در هوا حس کرد و به ستوه آمد و دل‌وایس بی‌برقی و از نفس افتادن کولر و هلاک شدن در گرما شد. در این وضعیت حالی برای سینما رفتن و فیلم دیدن روی پسرده نفره‌ای باقی می‌ماند؟ این روزها که گرما پیدای می‌کند، طبعاً خیلی‌ها تر جیح می‌دهند از خانه خارج نشوند و زیر باد خنک کولر قدری تحمل این گرما را ممکن کنند. پیش‌بینی اینکه در این هفته که گرمای هوا به رکورد‌های تاریخی نزدیک شده، فروش سینماها افت کرده باشد کار چندان سختی نیست. فروش سینماها از شنبه تا چهارشنبه این هفته از فروش هفته پیش‌شان در همین مقطع زمانی در حدود ۱٫۵ میلیارد تومان کمتر بوده‌است.

از شنبه تا چهارشنبه این هفته ۴۲۱ هزار و ۵۵۷ نفر در ۱۰ هزار و ۴۵۴ سانس به سینما رفته‌اند و فروشی برابر با ۱۷ میلیارد و ۸۳۱ میلیون تومان را رقم زده‌اند. اما در هفته گذشته، از شنبه تا چهارشنبه ۴۴۲ هزار و ۶۶۹ نفر در ۱۰ هزار و ۲۳۴ سانس به سینما رفته بودند و فروش سینماها برابر با ۱۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان بوده‌است؛ یعنی با اینکه در هفته گذشته سینماها ۲ سانس کمتر از این هفته داشته‌اند فروش فیلم‌ها ۱٫۵ میلیارد بیشتر از این هفته بوده‌است. نسبت به هفته گذشته، ۲۱ هزار و ۱۱۲ نفر در این هفته ترجیح داده‌اند سینما نروند و گرمای مهیب می‌تواند در این تصمیم متهم اصلی باشد. ۳ فیلم پرفروش شنبه تا چهارشنبه هفته گذشته، به ترتیب، عبارتند از «تگزاس ۳» با ۴ میلیون و ۳۷۲ میلیون تومان فروش و ۱۴۷ هزار و ۳۶۶ تماشاگر، «پول و پارتی» با ۴ میلیون و ۳۶۴ میلیون تومان فروش و ۱۴۶ هزار و ۱۱۷ تماشاگر و «خجالت نکش ۲» با ۲ میلیارد و ۵۳۶ میلیون تومان فروش و ۶۲ هزار و ۷۶۶ تماشاگر.

۳ فیلم پرفروش شنبه تا چهارشنبه هفته داغ جاری همین ۳ فیلم‌اند با یکس جابه‌جایی: «پول و پارتی» با ۶ میلیارد و ۶۷ میلیون تومان فروش و ۱۵۹ هزار و ۴۷۶ تماشاگر، «تگزاس ۳» با ۵ میلیارد و ۴۸ میلیون تومان فروش و ۱۳۴ هزار و ۸۵۹ تماشاگر و «خجالت نکش ۲» با ۲ میلیارد و ۵۵۱ میلیون تومان فروش و ۵۵۵ هزار و ۲۳۳ تماشاگر. از میزان فروش و تعداد تماشاگر ۳ فیلم پرفروش این هفته می‌شود فهمید که فروش سینما در هفته جاری افت کرده و گرمای هوا کار خودش را کرده و گیشه را قدر ۱٫۵ میلیارد تومان سرد کرده‌است.

نقد خبر

حضور علی مصفا

در مستند «گیله پیر مرد»



علی مصفا جلوی دوربین مستند «گیله پیر مرد» به کارگردانی علی رستگار و تهیه‌کنندگی میلاد باقری رفت و از اردشیر کاظمی گفت.

این بازیگر و کارگردان سینما سابقه همکاری با اردشیر کاظمی را در آثاری چون «پله آخر»، «در دنیای تو ساعت چند است؟» و «هگه نموم عمر چند تا بهاره؟» دارد.

پله آخر فیلمی به نویسندگی، کارگردانی و بازیگری مصفا بود که اردشیر کاظمی نقش آقای عسگری را در آن بازی می‌کرد. کاظمی در فیلم در دنیای تو ساعت چند است؟ به کارگردانی صفی بزدانیان و تهیه‌کنندگی و بازیگری مصفا هم نقش آقای مهربان را بر عهده داشت. هگه نموم عمر چند تا بهاره؟ به کارگردانی سروش صحت، آخرین همکاری علی مصفا و اردشیر کاظمی بود که این دو نقش نوه و پدربزرگ را بازی می‌کردند.

به جز علی مصفا، تاکنون چهره‌های دیگری چون کورش افشار، پناه، ناصر زراعتی، همایون اسعدیان، امیرشهاب رضویان، بهاره رهنما و میلاد کیاپسی، جلوی دوربین گילה پیر مرد رفته‌اند.

مستند گילה پیر مرد که به شخصیت و زندگی اردشیر کاظمی، بازیگر سینما و تلویزیون می‌پردازد و برای حضور در هجدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت آماده می‌شود به تازگی و هم‌زمان با روزهای پایانی فیلمبرداری، روی میز تدوین قرار گرفته‌است. تدوین این فیلم را محمدرضا افسوشین برعهده دارد.



بچه شهر، ضدقهرمان دهه ۵۰
امیر نادری: آنچه سعید را درآورد سینمای ایران کرد بچه شهر بود. ما در اوایل دهه ۵۰ آن مدل بچه شهر را که چین و تی شرت بپوشد و بیلیارد بازی کند و قیافه مدرن داشته باشد، نداشتیم. سر فیلم «تنگنا» به اورحم نکردم. خیلی ادیتش کردم. البته او را دوست داشتم ولی فیلم را بیشتر دوست داشتم. می‌دانم حتما مرا بخنبد! است، ایسنا



«قول مردونه» یک سریال دهه شصتی
قربابعلی طاهرفر، کارگردان سینما: «قول مردونه» به ماجراهایی می‌پردازد که از اوایل دهه ۶۰ تا سال ۶۸ را در برمی‌گیرد. این سریال قرار است در ۲۹ قسمت ساخته شود و مصطفی زندی نویسنده فیلم‌هایی چون «هزارپا» فیلمنامه این سریال را به نگارش درآورده است. ر مهر



کوتاه‌تر از گزارش

فرمول ورود به باشگاه

۱۰۰ میلیاردی‌های سینما کشف شد

رازگشایی از شیوه‌های

شکستن ر کوردهای فروش سینما

زمانی فیلم‌ها با سیم‌رغ‌ها و دیپلم‌های افتخار یا موفقیت‌های انتقادی‌شان در میان سینما‌روها، دست‌اندر کاران سینما و مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی- هنری کشور واجد اعتبار و اهمیت می‌شدند اما حالا چند سالی می‌شود که فتح گیشه تنها معیار موفقیت نزد مسئولان و اغلب دست‌اندر کاران سینماست. سینما‌روها هم به خوراک‌ی که برای‌شان می‌پزند و پیش‌روی‌شان می‌گذارند خومی‌کنند و کم‌کم ذائقه‌شان فقط به همان چیزی که موجود است عادت می‌کند. همین هم می‌شود که هر فیلمی که در گیشه بیشتر بفروشد، عامه مردم، به اشتباه، فروش اش را به نشانه کیفیتش می‌گیرند و مسئولان هم، عامدانه، فروش بالا را به حساب درستی سیاست‌هایشان می‌گذارند. در ظاهر همه چیز خوب است، اما این همه واقعیت نیست. سینمایی که تنوع نداشته باشد، بالاخره جایی به تکرار می‌رسد و فروش‌ها از سقف به کف می‌رسد و تماشاگرش از دست می‌رود. دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. فعلاً تا زمانی که این اتفاق بیفتد، دل همه برای پر فروش‌های غنج می‌رود. همین امسال ۳ فیلم به فروشی بیشتر از ۱۰۰ میلیارد تومان رسیده‌اند که سایر صاحبان آثار و تهیه‌کنندگان را وسوسه می‌کند فیلم‌شان را به‌تر تیبی اکران کنند که وارد باشگاه ۱۰۰ میلیاردی‌ها شود. اما مگر چند فیلم چنین قابلیتی دارند؟ وارد باشگاه ۱۰۰ میلیاردی‌هاشدن چه فرمولی دارد؟ در تاریخ سینمای ایران تنها ۵ فیلم وارد این باشگاه شده‌اند: «فسیل»، «هتل»، «تگزاس ۳»، «تمساح خونی» و «مست عشق». شاید با نگاه به این فیلم‌ها بشود این فرمول را کشف کرد.



اطیبایی ساز باشد

دومین و سسومین فیلم‌های ۱۰۰ میلیاردی سینمای ایران را گیشه‌پسندترین کارگردان تاریخ سینمای ایران ساخته: مسعود اطیابی. «هتل» حدود ۲۷۶ میلیارد تومان فروخت و «تگزاس ۳» فعلاً حدود ۱۷۲ میلیارد تومان فروخته. کم‌دی‌های اطیابی ملو از شوخی‌های خط قرمزی است و پژمان جمشیدی، جز اینها، تولید سریع و شناخت ذائقه مخاطب این نوع کم‌دی‌ها از دیگر عوامل مهم موفقیت تولیدات اطیابی است.



کم‌دی باشد

از فیلم باشگاه ۱۰۰ میلیاردی‌ها، ۴ فیلم کم‌دی است و یک فیلم درام تاریخی. «مست عشق» اگر بازیگران ترکش را نداشت، با وجود شهاب حسینی و پارسا پیروزفر محال بود، این قدر بفروشد. پس اگر کسی می‌خواهد فیلم غیر کم‌دی برای عضویت در باشگاه ۱۰۰ میلیاردی‌ها بسازد، باید بداند که تقریباً این کار غیر ممکن است. کم‌دی‌ها هم برای رسیدن به رقم لازم برای ورود به باشگاه باید بیش از هر چیز روی محبوبیت بازیگر نقش اصلی حساب کنند و البته داستانی ساده. تماشاگر با این حجم از رخدادهای اجتماعی، تمایلی به چیزهای پیچیده ندارد.



خیلی روی پرده باشد

«فسیل» تقریباً یک سال، «هتل» تقریباً ۶ ماه و «تمساح خونی» تقریباً ۴ ماه روی پرده بودند. «مست عشق» و «تگزاس ۳» در زمان کوتاه‌تری به فروش بالای ۱۰۰ میلیارد تومان رسیدند. اما به هر حال مسلم است که اکران طولانی مدت نقش پررنگی در رشدش از مرز ۱۰۰ میلیارد تومان فروش دارد. البته از ابتدای امسال قرار شد فیلمی بیش از ۱۴ هفته روی اکران نباشد و اگر این قانون واقعاً اجرا شود، فیلم‌ها کار سختی برای ۱۰۰ میلیاردی شدن دارند. زمانی که قرار شد اکران «تمساح خونی» به واسطه این قانون از اکران پایین بیاید، تهیه‌کننده‌اش معترض شد و اعلام کرد: «تمساح خونی نخستین فیلمی است که شامل قانون جدید شورای هنفی و آیین‌نامه اکران سال ۱۴۰۳ می‌شود؛ آن‌هم در شرایطی که فیلم تا پیش از تعطیلات تاسوعا و عاشورا سومین فیلم پرفروش هفته بود. برای من جای سؤال است که تکلیف فیلم‌هایی که همچنان مخاطب دارند و به واسطه پتانسیل خود در هفته چهاردهم هم از فروش خوبی بهره‌مند هستند، چرا باید با پایان یا محدودیت در اکران مواجه شوند؟»

سریال «داریوش» بعد از مدت‌ها تبلیغ و حواشی که داشت، منتشر شد. جدیدترین سریال شبکه نمایش خانگی داستان مردی است که بعد از سال‌ها فرازی بودن و زندگی در ترکیه به دلیل دزدی و قتل‌ی که گفته می‌شود انجام داده، حالا به ایران برگشته تا ماجرا را تمام کند.

داریوش سریال دیگری از سازندگان «پوست شیر» است که در مقایسه با سریال‌های دیگر پلنفرم‌های پخش فیلم و سریال، توجه‌های بیشتری در زمان پخش دریافت کرد. تهیه‌کننده هر دو سریال یکی است: نوید محمودی که پیش از این فیلم‌های سینمایی «رفتن»، «هفت‌ونیم»، «مردن در آب مطهر» و «کابل پلاک ده» را کارگردانی و تهیه کرده‌است. این بار اما کارگردان به‌جای جمشید محمودی، هادی حجازی‌فر است که خودش هم نقش اصلی را بازی می‌کند. پیش از پخش، اسم سریال و ترانه‌ای که در تبلیغات آن استفاده شده بود، حاشیه‌هایی را به‌وجود آورد و حتی داریوش اقبالی که اسم و ترانه‌اش در سریال استفاده شده بود، به‌تندی از این استفاده بی‌اجازه شکایت کرد. همین کنجکاوی‌های بیشتری برای دیدن سریال در مخاطبان ایجاد کرد و حالا با گذشت ۴ قسمت از سریال می‌توان نظرات آنها را درباره این سریال در شبکه‌های اجتماعی بررسی کرد.

داریوش یا پوست شیر ۴؟

یکی از نقدهایی که مخاطبان به سریال وارد کرده‌اند، شباهت

مکت

بازی‌های قابل قبول
از نکته‌های دیگری که تا این قسمت مورد توجه مخاطبان سریال قرار گرفته بازی‌های خوب بازیگران سریال است. آنها با هر نظر متفاوتی در یک نکته هم عقیده‌اند که هادی حجازی‌فر و گروه بازیگرانش در این سریال بازی‌های خوبی ارائه داده‌اند. به‌هر حال برای اینکه ببینیم این سریال موفقیت پوست شیر را به‌دست می‌آورد یا نه، باید قسمت‌های بیشتری از سریال منتشر شود.

زیاد آن با پوست شیر است. به جز ترکیب بازیگران که تقریباً همگی در پوست شیر حضور داشته‌اند، شباهت‌های داستانی و تماتیک هم بسیار است. در پوست شیر با مردی با بازی هادی حجازی‌فر مواجه بودیم که به دلیل دزدی‌ای که کرده ۱۵ سال در زندان می‌ماند و بعد از این سال‌ها دوباره سراغ خانواده‌اش می‌آید و می‌خواهد برای دخترش پدری کند. داریوش هم داستان مردی باز با بازی هادی حجازی‌فر است که به دلیل قتل و دزدی سال‌ها در ترکیه مخفیانه زندگی می‌کرده و حالا که اولیای دم مقتول رضایت داده‌اند به تهران برگشته و تلاش می‌کند به جبران گذشته از دخترش حمایت کند. ضمن اینکه تصور می‌کند رضایت‌دادن اولیای دم برای برگشت او به ایران بوده تا خودشان او را به قتل برسانند. در هر ۲ سریال هم پسری حضور دارد که عاشق دختر همان شخصیت اصلی است که بعد



سه گانه «خراجی‌ها» ساخته

مسعود دهنمکی جزو پرفروش‌ترین فیلم‌ها در دوران خود بود و در این میان «خراجی‌ها ۲» به یکی از ۱۰ فیلم پرفروش تاریخ سینمای ایران تبدیل شد.

■ مسعود دهنمکی که پیش از این ۳ قسمت از «خراجی‌ها» را ساخته، پس از ۱۴ سال برای ساخت «خراجی‌ها ۴» درخواست پروانه ساخت کرده‌است.

■ دهنمکی علاوه بر اخراجی‌های یک و ۲، فیلم‌های معراجی‌ها، رسوایی ۱ و ۲ و همچنین زندانی‌ها را ساخته و قبل‌تر ۲ مستند را هم جلوی دوربین برده است.

■ «خراجی‌ها» به روایت داستان زندگی مجید سوزوکی (یکی از اراذل جنوب شهر) پرداخت که عاشق دختر یکی از معتمدین محل است و برای به‌دست آوردن موافقت پدر او عازم جبهه شده و سرانجام به شهادت می‌رسد.

در ادامه نیز اتفاقاتی را که برای گروه

دوستان و هم‌زمان او می‌افتد روایت می‌کند.

■ اخراجی‌ها ۱ نخستین کار بلند سینمایی این کارگردان است که در زمان ساخت توانست در گیشه دهه ۸۰ موفق باشد. آن زمان این فیلم وارد باشگاه میلیاردی‌ها شد.

■ اخراجی‌ها ۲ هم در زمان پخش در گیشه ۴۰ میلیارد تومان فروش داشت و آن زمان گفته شد که بیش از ۴ میلیون نفر را به سینما کشانده است. نمی‌توان از این موضوع هم گذشت که پخش‌کننده اخراجی‌ها ۱ و ۲ به ترتیب علی سرتیپی، فیلمسازان و برادران شایسته هدایت فیلم بودند.

■ اخراجی‌ها ۳ نیز در دهه ۹۰ مانند ۲ فیلم دیگر دهنمکی در جدول اکران نوزوی قرار گرفت. پخش‌کننده این فیلم هم علی سرتیپی بود و آن زمان به نوعی این فیلم در اکران با «جدایی نادر از سیمین» رقابت داشت. به گفته علی

سریالی که در همین چند هفته اول پخشش توانسته توجه نسبی مخاطب را جلب کند و البته برخی را هم یاد سریال «پوست شیر» انداخته‌است.

از مدت‌ها کنار خانواده‌اش برگشته است. نقش این پسر را در هر ۲ سریال مهرداد صدیقیان بازی می‌کند. هر دو سریال هم حادثه‌ای و درباره دزدی و قتل هستند.

ترانه‌های قدیمی تکرار می‌شوند

مسئله دیگری که کاربران به آن اشاره کرده‌اند، استفاده از ترانه‌های خاطره‌انگیز گذشته است. پوست شیر عنوانش را از یک ترانه از خواننده قدیمی گرفته که همین ترانه در قسمت آخر سریال شنیده می‌شود. در داریوش هم همین اتفاق افتاده است. هم اسم سریال برگرفته از نام داریوش اقبالی است و هم ترانه او در یکی از قسمت‌ها پخش می‌شود. مسئله دیگری که بینندگان درباره این سریال نوشته‌اند، تمرکز زیاد روی ترسو بودن شخصیت داریوش و دوستش است.

از قسمت دوم متوجه می‌شویم که داریوش برخلاف آنچه می‌نماید، بسیار ترسوست. او از روبه‌رو شدن با بهرام که دنبال طلاهای دزیده‌شده است، می‌ترسد، و وقتی بستگان خانواده مقتول به خانه‌اش می‌ریزند، دختر و نواش را بسا آنها تنها می‌گذارد و فرار می‌کند و حتی در مقابل پسری که عاشق دخترش است، ضعیف است و به او پناه می‌برد. این ترسو بودن برای بعضی بینندگان جذاب بوده و بعضی دیگر آن را بسیار اغراق شده دانسته‌اند که مدام تکرار می‌شود و حتی خود داریوش هم مستقیم درباره آن صحبت می‌کند.